

فهرست مطالب

شانزدهم آذر
سالروز اعتراض شکوهمند
جنبش دانشجویی ایران،
خجسته باد!

اقتصاد ایران پیش از
برنامه ریزی نیازمند پاکسازی
و تعدیل است

انجام حجت با مسئولان کشور

این اقلیت متحجر، همسویا
چه کسانی هستند

گناه بزرگ سیاست خارجی،
قرار دادن همه تخم مرغ ها در
سبد روسیه است

اگر پروتکل زودتر امضا
می شد این دشواریها پیش
نی می آمد

دنیا نمایی برای پذیرش
تک قطبی شدن جهان ندارد

حادثه ی ننگبار ۱۶ آذر

شانزدهم آذر سالروز اعتراض شکوهمند جنبش دانشجویی ایران، خجسته باد!

ملی شدن صنعت نفت برهبری جبهه ملی ایران برقرار شده بود، همچنان برداش می کشید و قصد زمین گذاردن آنرا ندارد.

دانشجویان بدوستان از رسانی که برداش آنان است آگاهی دارند و شجاعانه در برابر هرگونه فشار و تنگنایی که بر آنان وارد آید پایداری می کنند. آنان نجات کشور را از گردانی که بدان گرفتار شده، در گرو بازگشت حاکمیت به ملت می دانند و خواستار آن هستند که نظر و رای مردم محترم شعورده شود. آنان ساختار موجود را پاسخگوی برون شد کشور از بحران و گام نهادن در راستای پیشرفت و توسعه پایدار نمی دانند و معتقدند که برای تعیین ساختاری که پاسخگوی منافع ملی باشد، باید به رای ملت در یک همه پرسس مراجعه کرد. از اینرو شعار "گرفاندم، زرفراندم، اینست شعار مردم" سر می دهند و تا دستیابی به آن از پای نمی نشینند.

جبهه ملی ایران ۱۶ آذر ۱۳۸۲

روز تاریخی شانزدهم آذر، سالروز جنبش دانشجویی، در حالی فرا میرسد که شمار قابل توجهی از دانشجویان دانشگاههای کشور همچنان به حرم ایثار عقیده، دفاع از آزادی، تلاش برای استقرار مردمسالاری و حاکمیت ملی، در زندانهای جمهوری اسلامی بسر می برند. این روز تاریخی در حالی فرا می رسد که تباطی ها به جرم نشان دادن علامت خشونت خونبار حاکمیت، حتی اجازه نمی یابند از چند روز مرخصی خود در خارج زندان بهره جویند، و به گونه ای تجاوزگرانه به زندان باز گردانده می شوند. نشست های دانشجویی با سخنگیری های انجمنی به تعطیل کشانیده می شود و حکم های سنگین کمیته های تظلماتی، گروهی از دانشجویان را از ادامه تحصیل باز می دارد.

اینهمه، با این هدف صورت می پذیرد تا جنبش دانشجویی را از توان بیاندازند و دانشگاه را وادار به تسلیم کنند. ولی، در برابر جنبش دانشجویی همچنان سرسختانه به پایداری خود ادامه می دهد، بر جمعی را که تسل اول آنها در جریان نهفت

اقتصاد ایران پیش از برنامه ریزی نیازمند پاکسازی و تعدیل است

(چکیده سخنرانی دکتر علی رشیدی در هیئت نمایندگان اتاق ایران در روز ۸۲/۷/۱۱)

با آن مواجه بوده اند. با سرعت و شدت بیشتری گسترش می یابد. در چنین شرایطی در جوامع دموکراتیک و طبقه حکومت های برگزیده مردم جزء پاسخ گوئی به خواسته ها و انتظارات مردم و هدایت و رساندن جامعه به سطح بالایی از علم و تکنولوژی، توان تولید ملی و تقویت موقعیت رقابتی کشور برای حفظ و بقا، یقه در صفحه ۱

رویداد انقلابی عظیم در تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، و فرامیزی بودل طبیعت و عملکرد آن در حکومت و مدیریت جامعه را بسیار خطیر و چالش انگیز ساخته است. امروز خواسته ها و توقع انتظارات مردم بسیار بیشتر از روند طبیعی رشد و تنوع ناشی از زیاده شدن و جوان شدن جمعیت، تولیدات شهرنشینی، بالا رفتن درآمد و نیاز به بهره گیری طبیعی بشر، که جوامع غربی طی سده ها

اقتصاد ایران پیش از برنامه ریزی نیازمند پاکسازی و تعدیل است

ارزش های ملی و وحدت و یک پارچگی کشور نیست. خباززه و غسابقه دولت ها چه در داخل و چه در سطح بین المللی سابقه رشد اقتصادی و توسعه ملی بطور تطبیقی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علیرغم کاستی های به اثبات رسیده آن در زمینه توزیع قدرت و مسئولیت و پاسخگویی به منشا حق و قدرت یعنی مردم، در زمینه تصور اجتماعی و اقتصادی حقوقی فراتر از غیر قابل انکاری و برای مردم و مسئولیت وسیع و متنوعی و برای دولت و حکومت بر مسیبت شناخته است.

امانتدانه عملکرد حکومت طی دوره بیست و پنج ساله گذشته با این ارمال ها فاصله فراتر از دارد.

علیرغم وجود داشت شدید و هر چه بیشتر دولت از تروتهای طبیعی و ملی، بویژه منابع نفت و گاز که پیش از پانصد میلیارد دلار ارزش در اختیار حکومت ها گذشته و قسمت اعظم نیازهای انرژی کشور را نیز تأمین کرده است، و علیرغم کوشش فراتر از حدی در بزم مردم - بویژه در بخش کشاورزی - برای پاسخگویی به نیازهای شخصی و خانوادگی و سرخراری اجتماعی، امروز جامعه ما با کاستی های فراتر از روبرو است و انسان ایرانی هم بطور نسبی و انطباقی و هم بطور مطلق برای ۵۰ درصد از خانواده ها، خود را در وضع بحرانی و شکننده احساس می نماید.

بیکاری فرابتده و تراکمی حدود یک سوم جمعیت در سن کار با احتساب زنان زاده شده از بازار کار - سالانه تولید ملی ما حداقل سه درصد می کاهش افتاد. منابع مالی از سوی مدیریت که نحوه تقاضای از تولیدکنندگان شایسته سالاری در تصمیمات عمومی است - همرا با عدم رعایت صرفه و صلاح در مصرف اموال و منابع عمومی، فساد و فحش اسراف و تبذیر در جامعه تحت تأثیر رقابت اجتماعی، بخشی دیگر از تروتهای رشد و توسعه ملی ما را کشته است.

بر مبنای آشنکداری و توجه به بازده و انجام کار و سوددهی در هزینه های عمومی به بزرگ و بزرگ شدن حجم و تعداد کارمندان دولت و بخش عمومی و کنترل ۷۰ درصد اقتصاد کشور علاوه بر مصرف حدود ۷۰ درصد درآمدهای تقنی به بدی بیش از ۲۰٪ هزار میلیارد ریالی بخش دولتی به سیستم بانکی کشور پایان سال ۱۳۸۱ منجر شده است - که عامل اساسی ۵۰ برابر شده شاخص فساد تولید ناخالص داخلی با شاخص تورم در کلی اقتصاد در دوازده سال گذشته بوده است.

تورم دائمی و بالای ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۷ درصد در ۷ ماه اول سال ۱۳۸۲ علیرغم تمام برنامه های توزیعی و رفاهی دولت - هر روز بخش بزرگتری از جامعه را زیر عطف سرخ می کشاند. در سال ۱۳۸۰ در مناطق شهری نسبت در آمد و مصرف ۱۰ درصد پایین ترین طبقه - یک بیستم ثروت و درآمد ۱۰ درصد طبقه بالا و درآمد این طبقه ۱۰ درصدی برابر ۵۰ درصد درآمد مردم طبقات کس که با درآمد پایین بوده است (۳۷۳۳ درصد در برابر ۳۷۵۰ درصد حقایق که حتی در اندونزی با جمعیت بیش از سه برابر ایران نسبت در آمد ۱۰ درصد بالاترین طبقه به ۱۰ درصد پایین ترین طبقه درآمدی ۹۷ برابر است ولی در ایران این نسبت در سال ۱۳۸۰ برابر ۱۹۲ بوده است - که حکایت از عدم تعادل عظیم طبقات درآمدی دارد. تسلط انحصارات دولتی و نهاد های عمومی غیر دولتی بر بازار کالاها و خدمات با بالا بردن دائم قیمت ها و افزایش و کاهش های عمومی غیر دولتی بر بازار تبلیغ دائم از رسانه های همگانی - روز بروز بخش بیشتری از درآمد مردم را جذب کالاهای مصرفی وارداتی و یا با سرچشمه واردات و قاچاقی ساخته است.

از سوی دیگر اختلاف سطح قیمت کالای مصنوعی در کشور با عوارج ناخوشه بر لبه واردات کالاهای قاچاقی را در حد ۸ تا ۹ میلیارد دلار در سال و نیز واردات کالاهای همراه مسگران زیارتی و غیره را به زبان تولیدات ملی شدید افزایش داده است.

علیرغم از یاد جمعیت خانوار در دوران پس از انقلاب - از سهم هزینه های طبایع - بویژه مصرف مواد پر تقنی و مواد ها و سبزی ها آسانی یک درصد در دوره ۱۷ ساله (کاسته شده است. امروز سهم هزینه های غیر خوراکی در مناطق شهری ۲۵ درصد

هزینه های خانوارها است که تنها حدود سه درصد آن صرف هزینه های فرهنگی تفریحات و سرگرمی ها که عامل اساسی تعدد اعصاب و روان و بازپای توان جسمی نیروی کار در حال فرسایش است می باشد.

هزینه مسکن (حدود ۳۰ درصد در بودجه خانوار) در تمام طول دهه ۱۳۷۰ بیسته از کلی هزینه های مواد خوراکی خانوارها همبستران ۲ درصد بیشتر بوده است که علیرغم از های ۷۰ درصد خانه دار بودن خانوارها، تنهائی بسیار نامتعادل است و خود را در فقر نامناسب جمعیت کشور در شهر ها و محلی شدن روستاها حکایت دارد.

زیاد شدن فاصله در صد هزینه های خوراکی و غیر خوراکی و رسیدن آن از ۹۸ درصد در سال ۱۳۶۸ به حدود ۵۰ درصد در سال ۱۳۸۱ خود نشان دیگری از گسترش شدید قدرت های انحصاری در جامعه و اقتصاد و انتقال ثروت و قدرت از طبقات پایین جامعه به بالاترین دهک ثروتمند و درآمدی در کشور است. این تمرکز ثروت در دست عده ای اندکی که سه چهارم سرمایه گذاریها را بسوی لوکس سازی های ساختمانی نه برای مصرف شخصی بلکه با هدف سفته بازی مخراب - تولید با برنامه ریزی تولید پیش از مس نوع تولید لوکس نه برای مردم عادی - خرید و فروش تلقین همراه و با سفته بازی با برگهای بهداشت هدایت کرده است.

در حالیکه سرمایه گذاری در ماشین آلات کشاورزی و در تکنولوژی تولید کشاورزی در سال ۱۳۸۱، علیرغم سهم ۱۷ درصدی این بخش در تولید ناخالص داخلی و سهم ۳۳ درصدی بخش کشاورزی در اشتغال - تنها ۲ درصد سرمایه گذاری در ماشین آلات در کشور بوده است. این سوء سیاست های توسعه صنعتی و کشاورزی همراه با سوء مدیریت و اتلاف منابع سبب شده است که رشد اقتصادی واقعی کشور حدود ۲ درصد در سال بطور متوسط طی بیست و پنج سال آینده به ایجاد اشتغال مولد برای جمعیت در برابر شده کشور بیانجامد که حاصل آن بیکاری فرابتده نسل جوان و نداشتن اشتغال و درآمد مطمئن و به تأخیر انداختن از بواج و تشکیل خانواده - پیدا شدن سبیل عظیم ۱۲ میلیون نفری دختران از بواج نکرده و زیاد شدن سالانه ۱۵۰ هزار نفر بندهای آنان همراه با میلیونها نفر معاند و رشد سالانه وحشت انگیز جنایات، خشونت های خیابانی - تصادفات و سوانح رانندگی و برنده های قضائی است.

اگر شعار از از جوانان ایرانی در امیدهای علمی و مسابقات جهانی افتخار می آفریند - این امر صرفاً ناشی از استفاده های خنده دانی، هوش و تخصص ملی و بویژه فداکاری های شخصی و خانوادگی و مرتبط با از یاد جمعیت و قانون اعتماد بزرگ است. نتایج مسابقات ورودی دانشگاهها نشان می دهد که متوسط نمرات و پاسخ های درست در حد نیم پاسخ های درست بر مشهای مشابه در طبقات کشاورزی صنعتی و نیمه صنعتی است. این سطح پایین دانشی و اطلاعاتی خود حکایت از وجود اتلاف عظیم منابع در بخش آموزش و رسانه های همگانی است که برنامه های غیر مرتبط با نیازهای آموزش و علمی صنعت و معدن و کشاورزی و زیر ساخت های اقتصادی کشور - تحت تأثیر جو سیاسی یک بعدی کشور، اولویت نام و تمام یافته است.

اینک در چنین وضع نامتعادلی دولت در صد تنظیم بودجه سال ۱۳۸۲، قانون برنامه چهارم و از همه بالاتر تنظیم تق های توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور با اهداف و ارقام نخیلی و خود دباورانه برای دو دهه آینده بر آمده است.

ولی به عقیده من وقت آن است که با یک تجدید نظر سیاسی در سیاست های توسعه اقتصادی و صنعتی و فرهنگی و جهت گیری های درست - آب رفاه را بجوی بازار تریم - که کلید آن اتخاذ سیاست ها و برنامه های درست و اجرای دلسوزانه و غیر خودخواه آنها و صرف ثروت ملی و اموال عمومی - با توجه به دو امر حیاتی است.

اول استقرار شایسته سالاری در تمام ادارات و امور جامعه - بویژه در مجلس و دولت است. دوم تنظیم برنامه سه ساله پاکسازی و سالم سازی اقتصاد ایران از عدم تعادلها و ناهنجاریهای مترکم شده و سالم سازی اقتصاد و جامعه پیش از آغاز برنامه ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی واقعی - آن هم به پیش گشی بخش خصوصی است. تصویب بودجه و برنامه پنج ساله پیش از رفع این عدم تعادلها خود را مجوز برای اتلاف منابع ملی و تشدید مسائل برای نسلهای آینده است.

اتمام حجت با مسؤلان کشور

ثبات سیاسی در واقع پویا ترین ارزش سیاسی است که در جوامع صنعتی مردم سالار بیخشم میخورد. ولی طبقه حاکمه کنونی ایران که خودخوانده مایل است قدرت سیاسی را به هر بهایی همواره در انحصار خویش نگاهدارد تا از بهره برداری استثنائی آن برخوردار باشد، از شیوه‌هایی کم و بیش قانونی با استبدادی و خشونت‌ناش استفاده میکند، اینک ثبات سیاسی ایران را در معرض تهدید قرار داده چرا که مردمسالاری اعم از دینی یا غیر دینی آن شیوه حکومتی است که به اکثریت امکان میدهد، خود را از شر افرادی که دوست ندارند از راههای غیر خشونت‌ناش و مسالمت آمیز رهایی بخشد و اگر این دیگرگویی سیاسی بشکلی مسالمت جوینانه صورت بگیرد، دیر یا زود به مسیر سیاسی من‌الجماعت توسعه مردم سالاری موضوع دانش نوین سیاست است که از راه فسخ امتیازات اجتماعی یا طاقانی و لغزیدن کلید مشارکتی و پاداشها و امتیازات در دسترس تمامی افراد جامعه صورت میگیرد؛ پس قلندری کافیه نیست تا دیر نشده با مردم آشنی کنید و حقوقشان را محترم شمارید که نوفان در راه است و ثبات سیاسی سرعت ناپذیر میشود.

چندی پیش در مجلس، زمزمه انتشار کارنامه شورای نگهبان در گلوی گوینده گیر کرد، چرا که چنین رسوایی بی گمان در محدوده ای فراتر از تحمل حاکمان است. بنده کمترین هم حد اکثر میتوانم با نگاه به حافظه ناتوانم چند خاطره کهنه یا تازه را در معرض دید تعدادی هموطن غیر خودی که طبعاً تأثیر اندکی در سرنوشت امروز مین دارند قرار دهم. ولی ای کاش کسی پیدا میشد و بر پایه اصل ۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی اندکی گوشه این پرده ضخیم را بالا ببرد تا ببینیم سرنوشت انتخابات آینده را چه جور کسانی رقم میزنند. شورای نگهبان در واقع بجای مجلس ستانسته، ولی در مقیاس کوچکتر و با قدرت و نفوذی بخاری العاده و وحشتناک، این شورای نگهبان است که بر خلاف اصول ۹۱ و ۹۲ قانون اساسی که به صراحت تعداد اعضای شورای نگهبان را مشخصاً از ۶ نفر طبقه ۶ و ۶ نفر حقوقدان برای مدت شش سال آنها را به شرفیاب قانونی خاص در نظر گرفته، زیر پا گذاشته

و سرعت مشغول گسترش شعب و اعضای خود در سراسر کشور است تا انتخابات آینده را فضاخت بار تر از گذشته به انجام برساند. این شورای نگهبان است که بر خلاف اصل ۷۶ قانون اساسی اعلام کرده تحقیق و تفحص در نهادهای زیر نظر مقام رهبری خلاف شرع است. این شورای نگهبان است که به دادگاههای انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت وجهه قانونی بخشید. این شورای نگهبان است که بدترین قانون مطبوعات جهان را که بموجب آن حتی حق محروم کردن مدیر مسئول یا سردبیر یک نشریه را از کارهای مطبوعاتی بطور موقت یا دائم بر خلاف اصل ۲۸ قانون اساسی به رسمیت شناخت تا اگر پرونده نشریه ای باید به دادگاه برود، بتوان پیش از محکومیت نشریه را توقیف کرد و علاوه بر مدیر مسئول، نویسندگان مقالات و کسان دیگری که در چاپ یا توزیع دخالت داشته اند تار و مار کرد. و این شورای نگهبان است که برای خودش حق نظارت استصوابی را با اعزام ۸۰ نماینده مخالفت به اصفهان برای رویت کسوف خورشید و در خیابان آنها گسیب کرد، و بالاخره این شورای نگهبان است که حقوق زن و کودکان و بشر را ابتدا قبول ندارد و همه آنها را بر خلاف شرع خود ساخته میداند.

هنوز اکثریت مردم ایران روند آرام اصلاحات را بهر چیز دیگری ترجیح میدهند، زیرا از شعارهای تند و تو خالی و بی محتوا خسته شده اند، ولی اگر روح آشفته و سرگردان جامعه را بیش از این به بازی بگیریم و شورای نگهبان با سوء استفاده از قانون غلط فعلی مثل انتخابات دوره گذشته کوشش در تحمیل چهره های یکسو نگر قدرتمند و ثروتمند به عوض چهره های آبرورمند نماید، این امر فقط منتج به کم شدن شمار رای دهندگان نخواهد شد، بلکه تاخر سندی مردم از تابلویی در انتخابات بعدی بالاست که اعتراضات گسترده علیه طبقه تحمیلی حاکم با پایان یافتن انتخابات آغاز خواهد شد و خشم مردم در برابر مدیریت فاجعه آفرین کنونی فوران خواهد کرد. امروز توسل به مردم علیه استبداد تمام اندیشه های سیاسی جامعه را عمیقاً بخود مشغول کرده و فقط حضور چهره های آبرورمند بجای چهره های یکسوینگر و مطیع حالگیت در صحنه انتخابات است که میتواند این خطر را کاهش دهد، محترمانه میگویم

که این آقایان هیچ محبوبیتی ندارند. از سوی دیگر، ایران با جمعیتی جوان کشوری است جهان سومی که طبعاً مهم ترین دغدغشغولی مردم و مسئولانش رشد و توسعه هر چه سریعتر برای رسیدن به قافله پیش ناخته جهان امروز است. چنین نیاز عمده ای خود ساختار ماشین حکومتی را دیکته و طراحی میکند و آشکارا میگوید که با کاری شکسته نمیتوان در مسابقه بزرگ خودرو رانی جهانی شرکت کرد و باید هر چه سریع تر بفکر چاره بود. امروز با مساله بسیار مهمی روبرو شده ایم که شورای نگهبان با جرم اندیشی خود اصل مردمسالاری و نمایندگی را منقذ کرده و در مجلس ششم دیدیم با وجودیکه همه نمایندگان را از صافی نظارت استصوابی خود گذرانند در تعارض بنیادین با همیتها هم قرار گرفته و در اغلب موارد مصوبات نمایندگان ملت را تبدیل به کاغذ باطله کرد. همه شواهد گویای این واقعیت است که در سالهای آتی و انتخابات آینده نیز احتمال تشکیل مجلسی مطابق تعابلات این شورا تقریباً محال میباشد و نتیجه آنکه پول و وقت یک ملت به عیب و ذاتها به هدر میرود بدون آنکه گرهی از مشکلات عدیده و روز افزون کشور گشوده شود. واقعیت اینست که اختیارات شورای نگهبان و حق تفسیر قانون اساسی توسط این گروه فزون خواهد بقدری گسترده و غیر قابل کنترل است که نمایندگان مردم را در تنگنا قرار داده و جز افراد نادری که شهادت تحمل زندان سیاسی را داشته باشند کسی را یاری ایستادگی نیست. حال آنکه اهمیت واقعی شورای نگهبان در ماشین حکومت کشوری با شرایط اجتماعی ایران به اندازه آینه عقب انومبیل برای راننده است. تردیدی نیست که آینه عقب برای سلامت راننده و انومبیل مفید است، اما اگر با نگاه راننده به آینه عقب، کلاچ و دنده و ترمز و فرمان از اختیار راننده خارج شود، بهتر است عطای چنین آینه ای را به تقایش بخشید و جان ملت و مملکت را از چنین مهلکه ای نجات داد.

شورای نگهبان برای پیشرفت هدفهای همواره به اختیارات نامحدود نیاز دارد که البته از مدتی پیش به آن رسیده است. ولی در چنین شرایطی باید به شورای نگهبان آنچه را داد که خود حق خویش میداند

گناه بزرگ سیاست خارجی، قرار دادن همه تخم مرغ ها در سبد روسیه است

انام حجت با مسئولان کشور

و نه آنچه را که به حقیقه اکثریت در حد استحقاق و شایستگی آن است. اما هر جامعه ای که نخواهد پایدار بماند، نمیتواند به هر کسی بر طبق ارزیابی خود او یادش بدهد که چنین جامعه ای تیشه به ریشه خود میزند.

گام نخست، حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان می باشد که این شورای برای خود حتی دو درجه ای کردن اختیارات را قائل شده است. در مرحله نخست، شورای نگهبان عده ای را انتخاب و در مرحله دوم به ملت اجازه داده میشود از میان برگزیدگان شورا عده ای را به نمایندگی برگزیند. گذشته از معایرت صریح این شیوه ساختگی نظارت (داخلت) با اصل ۶۲ قانون اساسی یاد آوری نحوه تصویب آن در مجلس پنجم نیز بسیار جالب است که بنابر پیش بینی اجتر ششاسان، آخرین کسوف سده بیستم روز بیستم مرداد ۷۸ صورت میگرفت. بنابر این، همه کانهای صدا و سیما و طبقه خود دانستند تا با نعام نبرو برای این مهم تبلیغ نمایند، بطوریکه نه فقط اذهان مردم از موضوع طرح قانون نظارت استصوابی در مجلس منحرف گردید، حتی درون مجلس نیز شرایطی پیش آمد که این قانون با اکثریت ۱۶ رای موافق در برابر ۶۰ رای مخالف تصویب شد، زیرا ۸۱ نماینده مخالف با نظارت استصوابی برای تماشای عور نشید گرفتگی به اسفهان مسافرت کرده بودند! عدم شرکت ۸۰ نفر از نمایندگان مجلس در رای گیری سبب شد نظارت استصوابی شورای نگهبان که آنهمه در باره آن بحث شده بود و موارد معایرت آن با قانون اساسی و جلوگیری از حضور نمایندگان و ظمن مردم در مجلس تذکر داده شده بود، بسیار غلیظ تر از گذشته از تصویب گذشت.

نخستین نتیجه قانون ابطال بیش از دو میلیون آراء مردم در انتخابات گذشته بود تا شورای نگهبان بتواند تغییرات مورد نظر خودش را در مجلس بدهد و تعدادی نماینده قدرتمند و ثروتمند ولی فاقد اعتبار و رای را با تعدادی نماینده آبرومند و دارای رای جایگزین نماید. البته ناگفته نماند که در آن روزها، حاکمیت هم گز تصور نمیکرد که در انتخابات بعدی تا حد امروزین به آراء ملت نیاز پیدا کند.

هر چه میبزی

دکتر پرویز ورجاوند در مصاحبه دیگری با اینها گفت: گناه بزرگ دستگاه سیاست خارجی ما این بوده است که سعی داشته همه تخم مرغ هايش را در سبد روسیه فرو دهد.

وی در باره روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه اظهار داشته: روسیه در طول تاریخ خود از دوران نزاری و اتحادیه شوروی گرفته تا فلدراسیون امروزی، قدرتمندبودن ایران در منطقه را مغایر با منافع کلان خودش می داند، بنابراین، از هر فرصتی بهره می گیرد تا بتواند ایران را بازمی دهد.

وی تصریح کرد: ذهنیت دولتمردان ما مبنی بر اینکه روسیه در مسیری همسو با منافع ملی ایران گام برمی دارد، تا به حال باعث شده که روسیه در روابط با ایران، رفتار دوگانه ای را از خود به نمایش بگذارد.

ورجاوند با تأکید بر تغییر استراتژی ها بر اساس شناخت منافع ملی گفت: از آنجا که روسیه بر اساس منافع ملی خودش موضع گیری می کند، ما نیز باید با شناخت منافع ملی خود و تعریف روشن از آن، استراتژی های خود را تعیین کنیم و در مراحل بعد سیاست گذاری کنیم.

ورجاوند تأکید کرد، از زمان فروپاشی شوروی تا امروز در تمام موارد، هر گاه روسیه در روابط با ایران

اخیر آمریکا را احساس کرده، تعهدات خود را پشت سر گذاشته و به گونه ای غیر منتظره عقب نشینی کرده است. جو سازی آمریکا در مسأله پروتکل دستیابی ایران به سلاح اتمی، این فرصت را در اختیار اروپاییان گذاشت تا با سوار شدن بر این موج و سفر به ایران و انعقاد این قرارداد، به تثبیت موقعیت خود بپردازند و قدرت چانه زنی خود را در قبال مذاکره با ایران در منطقه افزایش دهند.

وی ادامه داد، از آنجایی که اروپایی ها در این بحران توانستند از کشیده شدن مسأله مصرف الاجل به شورای امنیت سازمان ملل و فشارهای احتمالی علیه ایران جلوگیری کنند، مذاکرات و نشست تهران تثبیت موقعیت بهتر برای اتحادیه اروپا بود. ایران یکی از مهم ترین کشورها برای اروپا از نظر استراتژیک است.

وی خاطر نشان کرد، دولت می تواند با وحدت و هماهنگی های لازم و با ارزیابی جامع موقعیت حساس و استراتژیک کشور، قدرت چانه زنی خود را در نظام بین الملل و برخورد با همه کشورها بویژه اروپا بالا ببرد. پدیده ای که با ساختار موجود حاکمیت بسیار دور به نظر می رسد.

این اقلیت متحجر، همسو با چه کسانی هستند؟

عده ای به خشونت متوسل و ملی رخم این که به سخنرانی و اظهار نظر دعوت می شوند، از این کار خودداری می کنند. رفتارشان بی اعتنائی به قوانین، مقررات و مخالفت با آزادی بیان است.

مناسفانه عده ای تذکر با برخی از پیشوانه ها، عزت و آبروی ایران و ایرانی را می برند. این فعالیتها نه تنها حیثیت ایران را در کشورهای دیگر می برد بلکه باعث سرفکندگی در داخل کشور است.

در سالهای اخیر عده ای در داخل کشور همسو با عده ای خاص در خارج از کشور بطور مشترک اقدام به تخریب چهره ایران و ملت ایران در افکار عمومی کرده اند. امروز در اسفول، کمونیست ها علیه عبادی شعار می دهند و او را به جرم مسلمان بودن محکوم می کنند و در ایران انقلابی خودگرایان نیز او را کافر می خوانند.

همزمان با آغاز سخنرانی شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل و از فعالان حقوق بشر، در دانشگاه الزهراء گروه اقلیت متحجر اقدام به اختلال در این مراسم کردند که بلا تلبهای گوناگونی را در پی داشتند. به گزارش مجری گزاری ها این عده که جمعیتی کمتر از ۳۰۰ نفر بودند، اقدام به سردادن شعارهایی علیه شیرین عبادی کردند و در اقدامی قصد حمله فیزیکی به وی را داشتند که با ایجاد سیر استانی دانشجویان درگیری ایجاد شد.

این افراد به بانو دکتر رهنورد، رییس دانشگاه الزهراء نیز که در جمع دانشجویان حاضر شده بود در حالی که چادر وی را از سرش می کشیدند به شدت پرخاش کردند.

عبادی در اظهار نظری در این باره گفت، وقتی که

اگر پروتکل زودتر امضا می شد این دشواریها پیش نمی آمد

حساس و اساسی نظیر مسائل هسته ای، آگاهی کامل از همه جا دارد و امکان گریز از زیر ذره بین آنها وجود ندارد.

بخشی از این لوازم و ابزار علمی لوازمی نیست که در ایران تولید شود. توانمندی علمی ایران هنوز در وضعی نیست که بتواند در زمینه انرژی اتمی به طور مستقل عمل کند. امروزه ما از افراد با موضع گیری روشن و شفاف انجمن فیزیک دانان ایران می‌توانیم بر عدم توانمندی های کشور برای دستیابی به انرژی اتمی برخوردار داریم که تأیید گفته های من است.

وی تأکید کرد: حاکمیت در مورد بدست آمدن نشانه هایی از غنی سازی اورانیوم، پاسخش آن بود که دستگاههای خریداری شده آلوده بوده اند. حلال ناگزیر است پاسخ دهد که دستگاههای را از کجا و از کجا خریداری کرده است؟ می بینید که در اینگونه موارد نمی توان به دلخواه پاسخ داد و به راحتی از کنار موضوع گذشت. ایران باید در گزارش های آینده اش این مسئله را روشن کند.

راه دست خودش، در یک موقعیت حساس و استثنایی قرار می دهد و مجبور می شود با دعوت از وزرای خارجی کشورهای قدرتمند و انجام مذاکره، مقداری از فشارهای بین المللی را از دوش خود بردارد. ورجاوند در باره تبعات پذیرش پروتکل الحاقی گفت: پیوستن به پروتکل الحاقی تبعات خاصی ندارد. همه کشورهای عضو آن می‌تواند پروتکل ۹۳۰۲ را بپذیرفته اند. پذیرش پروتکل الحاقی زمانی خطرناک است که یک کشور عضوان می‌تواند بخواهد صواب و قواعد آن را اجرا کند. امروزه بیش از ۸۰ کشور دنیا که عضو آن می‌تواند هم بوده اند به این پروتکل پیوسته اند و امضای ما مشکلی برایمان ایجاد نخواهد کرد.

ورجاوند همچنین با اشاره به کسانی که تصور می کنند می توان با سوار شدن بر موج سیاست خارجی شعارگونه، در مسائلی نظیر انرژی هسته ای و دستیابی به سلاح های اتمی، قدرتمندان جهان را در مقابل خواسته های حاکمیت به تمکین واداشت، گفت: این گونه افراد واقعیت های جهانی را نادیده می انگارند و می افزایند، جهان قدرتمند امروزی از نقطه نظر توان اطلاعاتی به ویژه در زمینه های

دکتر پرویز ورجاوند، در مصاحبه ای با خبرگزاری کار ایران، گفت: نحوه برخورد و عملکرد بخش هایی از صاحبان قدرت در ایران عامل اصلی صدور قطعنامه و ضرب الاجل اژانس علیه کشورمان بود.

وی در گفت و گو با خبرنگار سرویس دیپلماتیک ایستا، تصریح کرد: اگر مسئله امضای پروتکل الحاقی که از مدت ها پیش مورد اختلاف بود، زودتر مورد توجه قرار می گرفت، این گونه برخورد به وجود نمی آمد.

اگر ایران زودتر امضای پروتکل را می پذیرفت و با گام هایی نظیر مذاکره با اژانس برای پیوستن به پروتکل و توضیح دادن و توضیح خواستن، مانند آنچه در حال حاضر مشابه مسیری که دیگران طی کردند را برمی داشت، به مشکل چندانی بر نمی خوردیم.

وی در ادامه گفت: مسؤولان نظام و دولتمردان باید بدانند در زمینه های بسیار مهم نظیر مسائل هسته ای، امکان دور زدن قدرت های جهانی وجود ندارد و زیرا نتیجه آن این است که کشوری خودش

دنیا تمایلی برای پذیرش تک قطبی شدن جهان ندارد

به اعتقاد یک استاد دانشگاه، تک قطبی شدن در جهان هیچ گاه وجود نداشته است، زیرا دنیا تمایلی برای پذیرش چنین قدرتی را ندارد.

دکتر پرویز ورجاوند، در گفتگو با خبرنگار سیاسی، خارجی ایستا، با بیان مطلب بال افزود: نظریاتی که امروز مطرح می‌باشد، در دو نگرش قابل ارزیابی است. ابتدا در خصوص آمریکا و استراتژیست های آن، که چنین قدرتی را یک واقعیت قطعی در دنیا می‌دانند و دیگری پذیرش این واقعیت از سوی مردم جهان.

وی در ادامه، به تلاشهای محافظه کاران نو آمریکا برای تک قطبی شدن آمریکا در جهان اشاره کرد و گفت: نو محافظه کاران سعی دارند تا کشورهای

ویژه آمریکا توان اقتصادی خود را بالا ببرد، لذا با رشد چشم گیر اقتصاد، مسیری را طی می کند که توانمندیهای سیاسی و نظامی را هم در پی داشته باشد.

دکتر ورجاوند در عین حال اظهار داشت: واقعیت این است که مشکل بتوان با چنین پدیده ای در آینده و در چهارچوب واقعیت برخورد کرد. به ویژه اینکه کشورهای که از نظر امتیاز تاریخی و فرهنگی صاحب پیشه ی کهن هستند، نیز می‌توانند به یک توسعه ی پایدار برسند. هر چند که کشورهای بزرگ متعلقه نظیر ایران که توان حرکت در این مسیر را دارند، در عمل، در مسیر چالشهای شعاری حرکت می کنند و خود را از دستیابی به توان واقعی دور کرده اند.

اگر دنیا می‌خواهد که چنین حادثه ای (مستلزم تک قطبی شدن جهان) رخ ندهد، ضروری است تا در هر بخشی از دنیا کشوری که شرایط بالقوه ی را دارد، محور شکل گیری اتحادیه ای همگن قرار گیرد و قطبی تازه را ایجاد کند تا در راستای دفاع از توان منطقه و بالا بردن قدرت چانه زنی آن در صحنه حضور باشد. پدیده ای که با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران و حوزه گسترده فرهنگی اش در توان ایران می‌باشد.

جهان تک قطبی شدن را به عنوان یک واقعیت بپذیرند، اما در مقابل آنها کشورهایی با اعتبار، پیشرفت علمی و قدرت نیز وجود دارند که سعی دارند تا با این ذهنیت برخورد کنند.

وی بالاترین نقطه ی حرم مخالف تک قطبی شدن آمریکا را اتحادیه ی اروپا و دو کشور آلمان و فرانسه خواند و تصریح کرد: اتحادیه ی اروپا هم در مدت زمان تک قطبی شدن آمریکا همواره سعی داشته تا توانمندی های خود را گسترش و به کار گیرند. هم اکنون شرایط به گونه ای است که اتحادیه ی اروپا می‌کوشد تا حضور گسترده ای را نسبت به گذشته به وجود آورده و قدرت خود را بالا ببرد، که البته در مسئله ی انرژی هسته یی ایران نیز این حضور مشهود بود.

این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه مسئله ی تک قطبی شدن پدیده ای است که با یک مقاومت موثر از سوی کشورهای که توان مقابله را دارند شروع شد، اما در وضعیتی است که تمایلی ندارد تا به یک چالش سنگین دست بزنند، لذا هو شیاراته در مسیر تعامل حرکت می کنند، گفت: قدرتی مانند چین تلاش دارد تا با بهره گرفتن از امکانات اقتصادی دنیای غرب و به

ادب برومند

حادثه‌ی ننگبار ۱۶ آذر

سال کودتای ننگ پرور
 ز طوفان حوادث، گریه‌سادی
 شهامت را بدین شد لاشه در گسور
 بسیار آمد بسه دانشگاه، ننگی
 طبیعت باز کساری منزلت سوز
 سیاهی گسرتوانی از شنه شست
 به سیمای حکومت داغ این ننگ
 بدان هنگام کامند سوی (تهران)
 بنام (نیکسون) سردی گرانجام
 به دانشگاه، بر ضد جنب و جوش
 به جانی کز پی پیسکار سنگین
 چو دلها و پیش ریش از کوه‌ها بود
 هم آنگاه از پیس آرایش زور
 حکومت داد فرمان تا که سر باز
 در او بسوزد بسه دانشجو، سیامسی
 که مایم اینزمان فائق بر اوضاع
 پس آنگه خیل سرباز دژ آهنگ
 قدم هشتاد در ایستوان تدریس
 به سان سنگ پر تاشی به تالاب
 به یکدم سایه افکن شد در آنحال
 دژم شد، لحظه‌ها را چهره‌ی شاه
 گسرد گسرد بسوم و وحشت و بیم
 هیاهونی شد اندر جمع احرار
 دوان گردیده سربازان به هر سوی
 از این سو حمله ور، بر صحن تالار
 نه بر شاگردان، رحمی بیخاطر
 بناگاهان صدای گسروش سپر
 فرو غلطید در خون پیکری چند
 روان شد خونشان در جای تعلیم
 سه دانشجو به خون خفتند در خاک
 به بساغ زندگی، بالنده شمشاد
 ضمیر هر یکی نابان چو مرآت
 بهین چشم و چراغ دو دمانها
 شده پرورده هر یک یاد و صد تیغ
 در بسع آن سوگنلان بساغ امید
 به فردوس برین مستانه رفتند
 درود ما بر ایشان گسار میدند
 هزاران لعنت حسیق بر کسی یاد

بسرور شانسزده از ماه آذر
 سروت را به خاک افکند پسر
 طبیعت را کفن شد جامه دوبر
 کز آن بدتر نشاید کرده باور
 به ننگ آباد شرم الفسروخت آذر
 بشوی این ننگ از دامن کشور
 همی بر جای باشد تا به محشر
 ز آمریسکا نقیبی دام گستر
 سبکسر شاه را دمساز و بساور
 نه بی اقدام، بیل فرزانه گسوز
 بود پامی شرف را سخت سنگر
 به نعره پیش خروشی داده شد سر
 وز (آمریکا) به خواهشمندی زور
 به دانشگاه در آسند باد در سر
 چو بر آهوا، پلنگ پوستین در
 همه آزادگان را ارانده از در
 پی فرمانتیری از میر لشکر!
 همه دژ خیم خون، بر خاش مظهر!
 که باشند ماهیان را وحشت آور!
 سحاب مرگ بر زینده محضر!
 دگر شد، دیده‌ها را نقش منظر!
 بر آن بنام همایون فال شهیر!
 ز شاگردان و استادان رهبر!
 جوانان را به خشم آورده یک سر!
 و ز آنسو تیغزن، بر طرف معبر!
 نه از استادشان، شرمی به رخ بر!
 فرو به چید، زهر طاق اعظم!
 ز نسکو تر جسواتان دلاور!
 که حرمت بر حریمش داد زبور!
 به رخ چون گل، به بالا چون ستور!
 به بسراج آرزو، تساهنده اختر!
 به دلهاشان دو صد امید، مضمتر!
 به نسور آباد هستی شمع نور!
 در آغوش محبت زای مسادر!
 که شد برور ز جور باد صرصر!
 کشیده از شهادت جام و ساطر!
 به زسر سایه‌ی الطاف داور!
 که شد سر کار این رفتار منکر!

برپایی نشست‌های دانشجویی

دانشگاه همدان

روز دوشنبه سوم آذرماه آقای دکتر باوند عضو شورای مرکزی و رهبری جبهه ملی ایران در دانشگاه همدان حضور یافتند و درباره دو مساله عمده پیوستن به پروتکل و انتخاب برای دانشجویان سخن گفتند.

دانشگاه زاهدان

روز پنجشنبه ششم آذرماه آقای دکتر ورجاوند عضو رهبری و سخنگوی جبهه ملی ایران به دعوت دانشجویان دانشگاه زاهدان در مراسمی که در آمفی تئاتر دانشکده ادبیات برپا گردید و حدود ۲۵۰ نفر از دانشجویان حضور داشتند درباره راه کارهای گذر از استبداد به دموکراسی به سخن پرداختند.

دانشگاه لرستان

جمعه هفتم آذرماه آقای شاه حسینی نایب رئیس شورای مرکزی در نشست دانشجویان دانشگاه لرستان در حرم آباد حضور یافتند و درباره سالگرد شهادت دکتر حسین فاطمی و شانزده آذر به سخن پرداختند.

مهندس امیرانتظام همچنان بستری است

مهندس امیرانتظام عضو هیأت رهبری جبهه ملی ایران پس از انجام عمل سنگین ستون فقرات همچنان در حال گذراندن دوران نقاهت است و پزشکان معتقدند که این وضع باید تا چهارماه آینده حفظ شود تا ایشان بتوانند به فعالیت روزانه عادی بپردازند.

نشریه پیام جبهه ملی ایران با کمک‌های مالی شما هم‌اندیشان و خوانندگان گرامی اداره می‌شود

نشریه داخلی
 پیام جبهه ملی ایران
 بایاد دکتر مهدی آذر
 تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵
 E-mail: jebhemelliran@yahoo.com